



آیا افلاطون فیثاغورسی بود/ نقش ریاضیات در فلسفه افلاطون به چه میزان است

تفکر رایج این است که دیدگاههای افلاطون متأثر از آرای فیثاغورس است. فیلیپ سیدنی هورکی در قالب کتابی به بررسی این موضوع پرداخته است.

تفکر رایج این است که دیدگاههای افلاطون متأثر از آرای فیثاغورس است. فیلیپ سیدنی هورکی در قالب کتابی به بررسی این موضوع پرداخته است.

به گزارش خبرگزاری مهر، این کتاب تری متفاوت در خصوص نقش ریاضیات در توسعه فلسفه افلاطون ارائه می کند.

یکی از پرسشهای مهم در خصوص آرای افلاطون این است که آیا او فیثاغورسی است یا خیر. شاگردان افلاطون و متفکرانی که در آن زمان می زیسته‌اند چنین اعتقاد داشتند که افلاطون متأثر از آرای فیثاغورس است.

اما محققان و فیلسوفان بعد از قرن نوزدهم میلادی به چنین دیدگاهی با تردید نگریسته اند.

نویسنده کتاب حاضر معتقد است که فلسفه و مکتب فیثاغورسی که به آن ریاضیات فیثاغورسی می گویند بر آرای افلاطون تأثیرگذار بوده است.

به عبارت دیگر ابعاد اساسی آرای افلاطون و فلسفه او متأثر از ریاضیات فیثاغورسی است.

این اثر با عنوان "افلاطون و مکتب فیثاغورسی" از سوی انتشارات دانشگاه آکسفورد منتشر شده است.

پیتاگوراس، فیثاغورس یا فیثاغورث فیلسوف و ریاضیدان یونان باستان بود. ۵۶۹-۵۰۰ پیش از میلاد. او نخستین کسی بود که توانست اصول پراکنده‌ای را که ریاضیدانان نخستین عمدتاً با استقرا و آزمون و خطا کشف کرده بودند، بر پایه اصول و براهین قیاسی بنا کند.

فیثاغورس در زادگاه خود مکتب اخوتی (که امروزه برچسب مکتب فیثاغورس بر آن خورده است) را بنیان گذاشت که طرز فکر اشرافی داشت. هدف او از بنیان نهادن این مکتب این بود که بتواند مطالب عالی ریاضیات و مطالبی را تحت عنوان نظریه‌های فیزیکی و اخلاقی تدریس کند و پیشرفت دهد.

شیوه تفکر این مکتب با سنت قدیمی دموکراسی، که در آن زمان بر ساموس حاکم بود، متضاد بود. و چون این مشرب فلسفی با مذاق مردم ساموس خوش نیامد، فیثاغورس به ناچار، زادگاهش را ترک گفت و به سمت شبه جزیره آپنین (از سرزمینهای وابسته به یونان) رفت و در کراتون مقیم شد.